

## Critique of the translation style of Quranic verses in "Tafsir Sharif Lahiji"

Mahdi hayati<sup>1</sup>

Ghodsiah poraghal<sup>2</sup>

### Abstract

Sharif Lahiji Tafsir is the work of Qutbuddin Lahiji, one of the Imami scholars of the 11th century AH, written in Persian. Before the contemporary period, the translation of the Qur'an was presented mixed with its interpretation. From the middle of the fourth century to the end of the sixth century AH, lasting effects have been left in the translation and interpretation of the Holy Quran, which has been more or less effective in the emergence of translation and interpretation in later times. Sharif Lahiji's commentary is one of these commentaries; The main purpose of this book is to explain and interpret the verses of the Holy Quran, so its translation style is interpretive-analytical and the commentator has applied his specific interpretive ideas in translating the verses. Considering that the translation of Quranic verses in this commentary refers to the standard Persian prose of the 11th century AH, the presence of original Persian words in it adds to the eloquence of the text and is considered one of its strengths. On the other hand, in syntactic structure, equivalence for words, literal translation and word structure, there are drawbacks that have been studied and criticized in this research.

**Keywords:** Quran translation, Persian translation, interpretive-analytical translation, Sharif Lahiji commentary



سال چهارم

شماره اول

پیاپی: ۷

پاییز و زمستان

۱۳۹۹

1) PhD student, Department of Islamic Education, Shahid Chamran University, Ahvaz (The Corresponding Author) mehdi.hayati@scu.ac.ir

2) Graduated from Qom University with a master's degree in Quranic and Hadith Sciences gh.poraghal@gmail.com



DOR: 20.1001.1.26455714.1399.4.1.10.3

# نقد و بررسی سبک ترجمه آیات قرآن در «تفسیر شریف لاهیجی»

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۷)

مهدی حیاتی<sup>۱</sup>  
قدسیه پوراقبال<sup>۲</sup>

## چکیده

تفسیر شریف لاهیجی اثر قطب‌الدین لاهیجی از علمای امامیه قرن یازدهم هجری قمری است که به زبان فارسی نوشته شده است. پیش از دوره معاصر، ترجمه قرآن آمیخته با تفسیر آن ارائه می‌شد. از نیمه قرن چهارم تا پایان قرن ششم هجری قمری آثار ماندگاری در ترجمه و تفسیر قرآن کریم بر جای مانده که در پیدایش ترجمه و تفسیر در زمان‌های بعد از آن کم و بیش تأثیرگذار بوده است. تفسیر شریف لاهیجی از جمله همین تفاسیر است؛ هدف اصلی این کتاب شرح و تفسیر آیات قرآن کریم است، بنابراین سبک ترجمه آن به روش تفسیری - تحلیلی بوده و مفسر نظرات خاص تفسیری خود را در ترجمه آیات اعمال کرده است. با توجه به اینکه ترجمه آیات قرآن در این تفسیر ناظر به نثر معیار فارسی قرن یازدهم هجری است، وجود واژگان اصیل فارسی در آن به شیوایی متن افزوده و از نقاط قوت آن محسوب می‌شود. از طرفی در ساختار نحوی، معادل‌یابی برای واژگان، ترجمه تحت اللفظی و ساختار کلام، دارای اشکالاتی است که در این پژوهش مورد بررسی و نقد قرار گرفته است.

**واژگان کلیدی:** ترجمه قرآن، ترجمه فارسی، ترجمه تفسیری - تحلیلی، تفسیر شریف لاهیجی

سال چهارم

شماره اول

پیاپی: ۷

پاییز و زمستان

۱۳۹۹

(۱) دانشجوی دکتری گروه معارف اسلامی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران (نویسنده مسئول) mehdi.hayati@scu.ac.ir  
(۲) دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قم، قم، ایران gh.poraghal@gmail.com

## ۱- طرح مسأله

انتقال معانی بلند قرآن از شریف‌ترین علوم اسلامی است. مفسران و مترجمان به منظور انتقال مفاهیم قرآن از علوم مختلف ادبی بهره برده‌اند. شناخت اسالیب زبان قرآن، به عنوان زبان مبدأ و قواعد زبان فارسی، به عنوان زبان مقصد بر مترجم ضروری است. در طول تاریخ اسلام، وجود ترجمه‌های فاخر قرآن به زبان فارسی از تراش غنی ادبیات فارسی بوده، که موجب ارتقاء و بالندگی این زبان شده است. از آن جایی که پیش از دوره معاصر، ترجمه قرآن به صورت مستقل وجود نداشت بنابراین ترجمه‌های قرآن را باید در خلال تفاسیر قرآن به زبان فارسی پیگیری کرد. نقد و بررسی اسالیب و قواعد زبان فارسی در ترجمه‌های قرآن ذخیره‌ای ارزشمند برای آفرینش ترجمه‌های جدید در دوره معاصر خواهد بود. بر این اساس یکی از تفاسیر قرآن که به زبان فارسی نوشته شده است و در آن آیات قرآن ترجمه روان شده، تفسیر شریف لاهیجی است. نقد و بررسی سبک ترجمه و انتقال معانی قرآن در این تفسیر قرن یازدهم هجری، تجربه‌ای کارآمد پیش روی مترجمان معاصر خواهد بود و باعث می‌شود تا از داده‌های آن به صورت روشمند بهره‌برداری شود. کارهای پژوهشی که در خصوص تفسیر شریف لاهیجی انجام شده عبارتند از: مقاله روش تفسیری شریف لاهیجی در بهره‌گیری از اختلاف قرائات، امیر توحیدی در مجله پژوهش دینی، شماره ۱۹؛ پایان نامه معرفی و نقد تفسیر شریف لاهیجی، نورمحمد امیریان؛ چنانچه ملاحظه می‌شود در خصوص موضوع نقد و بررسی سبک ترجمه قرآن در تفسیر شریف لاهیجی هیچ کار پژوهشی انجام نشده است. در این مقاله به بررسی سبک ترجمه قرآن و اسالیب و قواعد ادبی آن پرداخته شده است. پرسش اصلی این که، نقاط قوت و ضعف سبک ترجمه قرآن در تفسیر شریف لاهیجی چیست؟ بر این اساس فرضیه عبارت است از این که، تفسیر شریف لاهیجی از تفاسیر فاخر به زبان فارسی بوده، و ضمن پذیرش تغییرات زبانی که از قرن یازدهم تا کنون در زبان فارسی رخ داده است، درون مایه‌های غنی را می‌توان در سبک ترجمه قرآن به زبان فارسی از تفسیر شریف لاهیجی استخراج و الگوبرداری نمود.

### ۱-۱- معرفی تفسیر شریف لاهیجی

قرآن کریم کلام و حیانی خداوند متعال و معجزه جاویدان رسول اکرم (ص)، راهنمای همه نسل‌ها و عصرها تا روز قیامت است، رساندن آن به گوش جان حق جویمان عالم، وظیفه عالمان اسلامی بوده، بنابراین چاره‌ای جز ترجمه آن وجود ندارد، از دیرباز فراوان‌ترین ترجمه قرآن، به زبان فارسی انجام شده است؛ «همان‌گونه که تفسیر به رأی ممنوع است، "ترجمه به رأی" نیز ممنوع است و مشمول روایات حرمت تفسیر به رأی می‌شود؛ چرا که مترجم و مفسر هر دو مضمون آیه را بیان کرده و به خدا نسبت می‌دهند. بلکه با توجه به تفسیر آیه که از قراین معتبر عقلی و نقلی به دست می‌آورد، به ترجمه پردازد.» (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۱: ۱۰۰)

بررسی و نقد ترجمه‌های قرآن به منظور به روزرسانی آن مطابق نثر معیار و برطرف کردن ایرادات آن، امری لازم و خردمندانه است. از طرفی واکاوی ترجمه‌های کهن که به مثابه تراث اسلامی و ذخایر فرهنگی و علمی ملت‌هاست به بالندگی زبان فارسی و برگرداندن واژگان اصیل فارسی به نثر معیار و زایش ترجمه‌های کم غلط تر در آینده کمک می‌کند. در طول تاریخ اسلام، ترجمه‌های متعددی به زبان فارسی نوشته شده است. «از قرن یازدهم، باید به ترجمه قرآن، لاهیجی اشاره کرد که همراه با تفسیری مفصل در اواسط آن قرن نگاشته شده است.» (آذرنوش، ۱۳۸۹: ۲۳)

قطب‌الدین لاهیجی از علمای امامیه قرن ۱۱ هجری است، که از شاگردان میرداماد (متوفی ۱۰۴۲ ه.ق.) و با شیخ حرّعاملی (متوفی ۱۱۰۴ ه.ق.) و محدث کاشانی و علامه مجلسی معاصر بوده است. وی عالمی فاضل، متأله و متبحر در علوم و شاعر بود. دارای دو لقب بوده یکی بهاء‌الدین و دیگری قطب‌الدین یا لاقبل در برهه‌ای از زمان به لقب بهاء‌الدین و در برهه‌ای دیگر به لقب قطب‌الدین ملقب بوده است.

قطب‌الدین متولد لاهیجان از محله میدان است و در این محله ساکن بوده است. وی نوه پيله فقیه لاهیجی است و پدرش شیخ علی فقیه لاهیجی منصب شیخ الاسلامی لاهیجان را بر عهده داشت. پس از وی این مقام به برادر بزرگ او جمال‌الدین محمد تفویض شد و سه سال پس از وفات برادر این منصب به قطب‌الدین محمد رسید. وی در سال ۱۰۸۶ ق. برای مدتی در شهر پتنه هندوستان ساکن بوده و تفسیر خود را در آنجا به پایان رسانده است. مرحوم لاهیجی دارای طبع شعر و قریحه شعری بود و این مطلب با ملاحظه آثار وی از جمله محبوب‌القلوب و ترجمه صحیفه سجاده، صریحاً آشکار می‌شود.

#### ۱-۲- برخی آثار و تألیفات

۱. تفسیر شریف لاهیجی، در پتنه هند در سال ۱۰۸۶ ه.ق. به اتمام رسانده و در چهار جلد چاپ شده است.

۲. محبوب‌القلوب، این کتاب مشتمل بر یک مقدمه و سه مقاله است. مقاله اولی در احوال حکمای قبل از اسلام و مقاله دوم در حکمای زمان اسلام و مقاله سوم در احوالات ائمه (ع) و بعضی علماء و مشتمل بر خاتمه‌ای در بیان احوال خود (صاحب ترجمه) و آباء و اجداد اوست.

۳. رساله مثالیّه (فانوس خیال)

۴. خیرالرجال فی ذکر اسانید من لایحضره الفقیه. (مقدمه تفسیر شریف لاهیجی)

#### ۱-۳- سبک و اسلوب ترجمه قرآن در تفسیر شریف لاهیجی

پیش از دوره معاصر، ترجمه قرآن آمیخته با تفسیر آن ارائه می‌شد. از نیمه قرن چهارم تا

پایان قرن ششم هجری قمری آثار ماندگاری در ترجمه و تفسیر قرآن کریم بر جای مانده که در پیدایش ترجمه و تفسیر در زمان‌های بعد از آن کم و بیش تأثیرگذار بوده است. از جمله «تفسیر سوراآبادی»، «کشف الاسرار میبدی» و «تفسیر ابوالفتح رازی» که در زمره چنین آثار پربها و جاویدان‌اند. (کوشا، ۱۳۸۲: ۹) تفسیر شریف لاهیجی از جمله همین تفاسیر است؛ که با سبک و اسلوب دقیق و متین ترجمه قرآن را ارائه داده است. «مفسر، تفسیر هر آیه را به عنوان اجمال نه بطور تحت اللفظی بلکه به حسب ترجمه مطلوب معنی کرده و عبارات آن ساده و روان و خالی از تعقید بوده و برای متوسطین به خوبی قابل فهم است.» (اشکوری، ۱۳۷۳: ۱۰)

در این پژوهش اشکالات ترجمه آیات، در تفسیر شریف لاهیجی در مقایسه با ترجمه‌های برتر قرآن، مورد بررسی قرار گرفته است.

#### ۱-۴- بهره‌گیری از نثر فارسی قرن یازدهم

اولین نکته‌ای که در سبک ترجمه قرآن تفسیر شریف لاهیجی حائز اهمیت است این که، این تفسیر به بر اساس نثر فارسی معیار در قرن یازدهم هجری نوشته شده است. نثر معیار دارای واژگان رسا، استوار و قابل فهم برای عموم مردم است؛ نثری که در کتاب‌های معتبر و متون علمی بدون لحاظ اصطلاحات فنی - به کار می‌رود. (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۱: ۱۳۷) اما با توجه به این که تفسیر شریف لاهیجی در قرآن یازدهم هجری نوشته شده است، ترجمه برخی از واژگان مطابق نثر معیار در آن روزگار می‌باشد؛ از جمله ایشان در ترجمه خود مکرر از واژه «حالکونی» یعنی «در حالی که» استفاده کرده است، ولی این واژه امروزه کاربردی ندارد.

مثل: «خَالِدِينَ فِيهِ» حالکونی که جاوید باشند در آن عقاب ﴿وَسَاءَ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حِمْلًا﴾ و بد است مر ایشان را روز قیامت از روی بار وزر ایشان. (طه/۱۰۱) ترجمه روان این آیه در ترجمه فولادوند چنین آمده است: «پیوسته در آن [حال] می‌ماند، و چه بد باری روز قیامت خواهند داشت.»

و همچنین از واژه «مَرَّ» به معنای «برای» استفاده کرده است مثل: «تَبَيَّنَا لِكُلِّ شَيْءٍ» حالکونی که بیان کننده است بیان کردنی بلیغ مر همه چیز را (نحل/۸۹) ترجمه روان این آیه مطابق با زبان فارسی معیار در ترجمه صادقی تهرانی چنین آمده است: «در حالی که برای هر چیزی روشن‌گر است.»

نمونه دیگر واژه «بغزا» به معنای «به جنگ، به جهاد» است که در ترجمه این آیه آمده است: ﴿وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ﴾ و جایز نیست مؤمنان را «لَيَنْفِرُوا» اینکه بیرون روند بغزا (توبه/۱۲۲) ترجمه صحیح آن در ترجمه فولادوند چنین آمده است: «و شایسته نیست مؤمنان همگی [برای جهاد] کوچ کنند.» با این حال نثر آن به فارسی معیار معاصر نزدیک است.

## ۲- بررسی قواعد ادبیات عرب در ترجمه

از مهم‌ترین موضوعی که در بررسی ترجمه‌های قرآن، مورد بررسی و نقد قرار می‌گیرد، نقش کلمات در هندسه کلام است. زبان عربی با ساختار زاینده خود برای قواعد نحوی نقش ویژه‌ای قائل است که برخی از اشکالات ترجمه قرآن در تفسیر شریف لاهیجی از این جهت مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ۲-۱- ترجمه ساختار نحوی مفعول مطلق

حالت نحوی مفعول مطلق در زبان عربی از نقش‌ها یا حالاتی است که در زبان فارسی دارای ساختار مشابه نیست و از این رو نیازمند ساختاری معادل در زبان فارسی است. معادل ساختاری آن در زبان فارسی معاصربه صورت ساخت دستوری «قید» است ۱- قید تأکید و کیفیت مانند «سخت، بسختی، نیک، بنیکی، شدت، بخوبی، چنانکه باید، بدقت، کاملاً...» ۲- قید تشبیه مانند «به سان، همانند، همچون، مثل...» ۳- قید تکرار یا تعداد یا مقدار مانند «دوبار، صد، هزار...» ۴- قید نفی مانند «هیچ، به هیچ وجه، هرگز، اصلاً و...» بنابراین معادل مفعول مطلق در زبان فارسی در یک کلمه «قید» است و هرگز شایسته نیست آن را به صورت لفظ به لفظ به فارسی ترجمه کنیم. (قلیزاده، ۱۳۸۰: ۳۷) نمونه‌هایی از اشکالات در این ساختار نحوی عبارتند از:

\*\*\* ﴿فَجَمَعْنَاهُمْ جَمْعًا﴾ پس جمع کنیم همه خلایق را جمع کردنی برای حساب و جزاء. (کهف/۹۹) در این ترجمه مفعول مطلق "جمعاً" براساس تشابه ساختاری و لفظ به لفظ ترجمه شده است و چنانچه گفته شد این گونه ساختار نحوی در زبان معیار فارسی ناشناخته و نامقبول است. (قلیزاده، ۱۳۸۰: ۳۹) در ترجمه ظاهری آمده است: «آن گاه آنان را بطور کامل جمع می‌کنیم.»

\*\*\* در آیه ﴿وَوَعَدُ لَهُ مِنَ الْعَذَابِ﴾ و دراز گردانیم برای او آنچه را که او مستحق آن است از عذاب (مَدًّا) دراز گردانیدنی. (مریم/۷۹) «مَدًّا» مفعول مطلق تأکیدی است. در ترجمه رضایی اصفهانی آمده است: «و به عذاب او کاملاً کمک می‌کنیم (و پی در پی می‌افزاییم).» و در ترجمه انصاریان آمده است: «و عذابش را همواره ادامه خواهیم داد.»

\*\*\* و در آیه ﴿إِنَّمَا وَعَدُّ لَهُمْ عَذَابًا﴾ جز این نیست که می‌شماریم برای ایشان انفاسی چند را شمردنی (مریم/۸۴) «عَدًّا» مفعول مطلق تأکیدی است. ترجمه درست آیه در ترجمه خرمدل چنین آمده است: «ما تمام اعمال ایشان را دقیقاً محاسبه می‌کنیم (و جزای کارهایشان را خواهیم داد).»

\*\*\* ﴿إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا﴾ وقتی که کوفته شود زمین کوفتنی بعد از کوفتنی (فجر/۲۱) در این آیه نیز «دَكًّا» مفعول مطلق تأکیدی بوده که در ترجمه مکارم شیرازی به درستی و به

صورت قید تأکید، چنین ترجمه شده است: «در آن هنگام که زمین سخت در هم کوبیده شود.»  
 \* ﴿وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا﴾ و دوست می‌دارید مال دنیا را دوست داشتنی بسیار باشه و حرص. (فجر/۲۰) در اینجا مفعول مطلق «حُبًّا» به صورت لفظ به لفظ ترجمه شده است. در ترجمه خرمدل به درستی چنین ترجمه شده است: «و اموال و دارایی را بسیار دوست می‌دارید.»

\* و در آیه ﴿إِنْ نُنْزِلُ إِلَّا ظَنًّا﴾ نیستیم ما که هیچ‌گونه علم بقیامت داشته باشیم مگر آنکه گمان می‌کنیم گمان کردنی. (جاثیه/۳۲) «ظنًّا» مفعول مطلق تأکیدی بوده، که به صورت نادرست و لفظ به لفظ ترجمه شده است. ترجمه درست آن در ترجمه تفسیر جوامع الجامع چنین آمده است: «ما نمی‌دانیم قیامت چیست؟ ما تنها گمانی در این باره داریم.»

## ۲-۲- ترجمه ساختار نحوی تمیز

تمیز از نظر ساختار معنایی تنها نقش متمم را دارد؛ یعنی در واقع، کامل‌کننده معنای یک عنصر نحوی دیگر است و از نظر معنایی عنصری علی حده به شمار نمی‌رود. این عنصر معنایی در جواب پرسش‌هایی چون «از چه نظر؟ از چه لحاظ؟ از چه جهت؟ از چه جنبه؟ به چه عنوان؟ از چه؟» و جز آن‌ها و نیز برای تفسیر یا رفع ابهام معنایی از یک عنصر نحوی-معنایی دیگر به کار می‌رود.

تمیز از نظر ساختار نحوی دو نوع عمده دارد: ۱- مفرد (=ذات) ۲- تمیز جمله (=نسبت). در نوع نخست ابهام کلمه برطرف می‌شود و در نوع دوم، ابهام جمله یا نسبت موجود در جمله؛ در واقع، عامل تمیز مفرد اسم مبهم است و عامل تمیز جمله فعل یا شبه فعل مبهم. آنچه در ساختار تمیز و بررسی مشکلات مربوط به آن اهمیت دارد عمدتاً مربوط است به تمیز جمله؛ زیرا در تمیز مفرد معمولاً هیچ مشکلی رخ نمی‌نماید. (قلی‌زاده، ۱۳۸۰: ۵۶) نمونه‌هایی از اشکالات ترجمه در این ساختار نحوی عبارتند از:

\* ﴿وَمَنْ أَصْدَقُ﴾ و کیست صادق‌تر ﴿مِنَ اللَّهِ﴾ از خدای تعالی ﴿حَدِيثًا﴾ از روی سخن. (نساء/۸۷) واژه «حدیثاً» تمیز است. ترجمه روان این عبارت در ترجمه قرآن فولادوند چنین آمده است: «و راستگوتر از خدا در سخن کیست؟»

\* ﴿وَلِلْآخِرَةِ﴾ و هر آینه آخرت ﴿اَكْبَرُ دَرَجَاتٍ﴾ بزرگتر است از روی مراتب ﴿وَاكْبَرُ تَفْضِيلًا﴾ و بزرگتر است از روی فضیلت (اسراء/۲۱) ترجمه روان این عبارت در ترجمه انصاری چنین آمده است: «و بی‌گمان آخرت [به اعتبار] مراتب افزون‌تر و در افزون‌دهی بزرگتر است.»

\* ﴿قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا﴾ بگو ای محمد صلی الله علیه و آله آیا خبر کنم شما را به زیانکارترین مردمان از روی کارها (کهف/۱۰۳) «عملاً» در این آیه تمیز است.

ترجمه این عبارت مطابق بلاغت معنایی در ترجمه مجتبیوی چنین آمده است: «بگو: آیا شما را به زیانکارترین [مردم] در کردار، آگاه کنم؟»

\*\*\* ﴿فَكُلِي وَاشْرَبِي﴾ پس بخور از آن خرما و بیاشام از آن آب سری ﴿وَقَرِّي عَيْنًا﴾ و روشن ساز چشم خود را و خاطر خود را خوش دار به فرزند سعادت‌مند خود (مریم/۲۶) عیناً تمیز است به معنای دیده روشن دار. ترجمه روان این آیه در ترجمه فولادوند چنین آمده است: «و بخور و بنوش و دیده روشن دار.»

\*\*\* ﴿بَسَّ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا﴾ بد است شیطان و ذریت او برای ستمکاران بدل از خدای تعالی (کهف/۵۰) واژه «بدلاً» تمیز است. در ترجمه فولادوند آمده است: «و چه بد جان‌شینانی برای ستمگرانند.»

### ۲-۳- ترجمه ساختار نحوی حال

ساختار حال در زبان عربی بیان کننده حالات نقش‌های مختلف مانند فاعل، مفعول به، نایب فاعل، مضاف الیه، مبتدا و خبر، مجرور به حرف جر و نیز منصوب به نزع خافض است. همین امر موجب یکی از مهمترین مشکلات ترجمه حال است زیرا معادل حال در زبان فارسی فقط بیان کننده سه حالت فاعل، مفعول و نایب فاعل است.

حال در زبان فارسی دارای معادل ساختاری یا ساختار معادل است. معادل این حالت نحوی در زبان فارسی «قید حالت» است که گاهی بدان قید کیفیت نیز گفته‌اند.

مهم‌ترین پسوندهایی که در ساخت نقش حالت نقش دارد اشاره می‌کنیم: -ان: گریان، -ه: ایستاده، چشم بسته، -ناک: غمناک، -گین: اندوهگین، -سا: پیل سا، -آسا: شیرآسا، -آنه: دلیرانه، -مند: رایمند، -نده: براننده، -گار: پرهیزگار، -ار: ساختار، -ا: بینا، -وار: ابروار، -وش: سایه وش.

نکته‌ای که در ترجمه ساختار نحوی حال اهمیت فراوان دارد رعایت ترتیب عناصر ساختاری - به ویژه جایگاه حالت - در جمله است؛ زیرا فصاحت و بلاغت نحوی و معنایی با جابجایی ارکان و عناصر جمله تعامل تنگاتنگ دارد. (قلی‌زاده، ۷۲) نمونه‌هایی از اشکالات در این ساختار نیز عبارتند از:

\*\*\* ﴿مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ﴾ نبوده است ایشان را توانایی اینکه در آن مساجد مگر آنکه ترسناک باشند واژه «خائفین» حال مفرد و مشتق است. ترجمه روان این آیه در ترجمه قرآن رضایی اصفهانی آمده است: «آنان برایشان سزاوار نیست که جز ترسان، وارد آن (مساجد) شوند.»

\*\*\* ﴿إِلَى اللَّهِ﴾ بسوی جزای خدای تعالی است ﴿مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا﴾ بازگشت همه شما (مائده/۱۰۵) در این ترجمه به جای قید حالت در واژه «جمیعاً» صفت مبهم یا تأکیدی به



کار رفته که مغایر با تعادل بلاغی و نحوی است. در ترجمه خرمشاهی آمده است: «بازگشت همگی شما به سوی خداوند است.»

\*\*\* ﴿إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ﴾ هر گاه خوانده شود بر ایشان ﴿آيَاتُ الرَّحْمَنِ﴾ آیت‌های خدای بخشنده که در قرآن است ﴿خَرُّوا﴾ بر وی در افتند ﴿سُجَّدًا﴾ در حالتی که سجده کننده‌اند مر خدای را ﴿وَبُكِيًّا﴾ و بسیار گریه کننده‌اند. (مریم/۵۸) دو واژه «سجداً و بکیاً» حالت هستند. هر چند برخی مترجمان این دو واژه را به صورت فعل ترجمه می‌کنند اما در اینجا ترجمه واژه «بکیاً» به صورت مفعول «بسیار گریه کننده» ترجمه شده است، ترجمه روان آیه در ترجمه فولادوند این چنین آمده است: «[و] هر گاه آیات [خدای] رحمان بر ایشان خوانده می‌شد، سجده‌کنان و گریان به خاک می‌افتادند.» و همچنین در ترجمه رضایی اصفهانی آمده است: «هنگامی که آیات (خدای) گسترده‌مهر بر آنان خوانده می‌شد، سجده‌کنان و گریان (به زمین) در می‌افتادند.»

\*\*\* ﴿وَسَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ﴾ و مسخر گردانید برای شما آفتاب و ماه را ﴿دَائِبِينَ﴾ در حالتی که مستمرند در حرکت و سیر (ابراهیم/۳۳) واژه دایبین اسم فاعل مثنی، حال مفرد است. هر چند مترجم آن را به شکل حال ترجمه کرده است، اما ترجمه روان آن در ترجمه مجتبوی چنین آمده است: «و خورشید و ماه را که پیوسته در جنبش و گردشند برای شما رام کرد.»

\*\*\* ﴿فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ﴾ پس نیست بر ایشان گناهی ﴿أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ﴾ درین که بنهند و نپوشند ﴿غَيْرَ مُتَّبِعَاتٍ بِزِينَةٍ﴾ در حالتی که نبوده باشند ظاهرکننده زینت خود را (نور/۶۰) واژه «غیر» جامد، مؤول به مشتق، حال مفرد است. مترجم آن را به صورت حال ترجمه کرده و در این ترجمه «غیر» را در فعل «نبوده باشند» نمایانده است. ترجمه روان آن در ترجمه آیتی عبارت است از: «پیر زنان که دیگر امید شوی‌کردنشان نیست، بی‌آنکه زینت‌های خود را آشکار کنند، اگر چادر خویش بنهند مرتکب گناهی نشده‌اند.» در ترجمه آیتی واژه غیر به صورت واژه مستقل «بی‌آنکه» ترجمه شده، که صحیح‌تر است.

\*\*\* ﴿وَجَاؤُا بِأَهْمٍ﴾ و آمدند برادران یوسف نزد پدر بزرگوار خود ﴿عِشَاءً﴾ آخر روز ﴿يَبْكُونَ﴾ در حالتی که خود را به گریه و امیداشتند. (یوسف/۱۶) واژه «یبکون» جمله حالیه است که سه ویژگی در آن لحاظ شده است: استمررا و پیوستگی کار گریستن آن که با فعل مضارع نشان داده شده است- فعل مربوط به زمان حال است- فعل جمع مذکر است، که باید در ترجمه نمود داشته باشد. ترجمه درست این واژه به صورت «گریه کنان» در ترجمه پاینده آمده است. «شبانگاه گریه کنان بنزد پدرشان شدند.»

\*\*\* ﴿لَلْجُؤَا﴾ هر آینه لجاج نمایند و ثابت باشند ﴿فِي طُغْيَانِهِمْ﴾ در سرکشی خود ﴿يَعْمَهُونَ﴾ در حالتی که حیران و سرگشته باشند از ادراک راه حق. (مومنون/۷۵) واژه «یعمهون» جمله

حالیه است و به صورت عبارت قیدی «سرگشتگی» یا «کوردلانه» ترجمه می‌شود. ترجمه روان آن در ترجمه فولادوند چنین آمده است: «در طغیان خود کوردلانه اصرار می‌ورزند.» و نیز در ترجمه خرماشاهی این چنین آمده است: «در طغیانشان با سرگشتگی پای می‌فشردهند.»

## ۲-۴- ترجمه فعل ماضی و مضارع

از جمله اشکالاتی که در ترجمه آیات قرآن وجود دارد ترجمه فعل ماضی و مضارع است که برخی از موارد آن عبارتند از:

\*\*\* ﴿أَنَّمَا نُمَلِّئُ لَهُمْ﴾ به درستی که ما مهلت دادیم ایشان را. «نملی» فعل مضارع است که به صیغه ماضی ترجمه شده است. (آل عمران/۱۷۸) در ترجمه دکتر رضایی اصفهانی آمده: «به آنان مهلت می‌دهیم، فقط برای اینکه [عاقبت] بر گناه بیفزایند.»

\*\*\* ﴿وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ﴾ و می‌دانم آنچه را که ظاهر می‌کردید ﴿وَمَا كُنْتُمْ تُكْتُمُونَ﴾ و آنچه را که بودید شما که پنهان می‌کردید. (بقره/۳۳) «کنتم تکتُمون» به معنای «پنهان می‌داشتید» است که «بودید» ترجمه شده است. در ترجمه فولادوند آمده است: «و آنچه را آشکار می‌کنید، و آنچه را پنهان می‌داشتید می‌دانم؟»

## ۲-۵- تشخیص و ترجمه مرجع ضمیر

در ساختار زبان عربی به مقدار زیادی از ضمیر به جای اسم ظاهر استفاده می‌شود به خلاف زبان فارسی. تشخیص مرجع ضمیر و ترجمه ضمائر و حذف برخی از آنها در ترجمه آیات از موضعی است که مترجمان را دچار اشکالاتی کرده است در ذیل به برخی از آن‌ها می‌پردازیم:

\*\*\* تشخیص مرجع ضمیر از موارد دشوار در ترجمه آیات قرآن است، بخشی از اختلاف در تشخیص مرجع ضمیر مربوط به تفاوت دیدگاه تفسیری است مانند آیه ﴿وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾ و به سوی جزای خدای تعالی بر گردانیده خواهید شد. (بقره/۲۴۵) مرجع ضمیر در «آیه» به سوی خدا یا به سوی جزای خداست؟ در ترجمه قرآن براساس تفسیر المیزان این چنین آمده است: «و به سوی او بازگشت می‌یابید.»

\*\*\* در خصوص مرجع ضمیر در «ینادیهم» در سه موضع در سوره قصص چنین آمده است: در آیه ﴿وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ﴾ و یاد کن روزی را که بخواند خدای تعالی کافران را (قصص/۶۲) و در آیه ﴿وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ﴾ و یاد کن روزی را که ندا کند خدای تعالی عباد خود را (قصص/۶۵) و در آیه ﴿وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ﴾ و یاد کن روزی را که بخواند خدای تعالی مشرکین را (قصص/۷۴) مرجع ضمیر در این سه آیه «کافران» و «عباد» و «مشرکین» معرفی شده، در حال که در هر سه مورد مرجع ضمیر «مشرکین» هستند.

\*\*\* در آیه ﴿يَوْمَ تَرَوْنها﴾ روزی که ببینید شما آن زلزله را. (حج/۲) اسم ظاهر «زلزله» به

جای ضمیر «ها» در ترجمه آمده است در حالی که در ترجمه آیتی چنین آمده است: «آن روز که ببینیدش ...»

\*\* نمونه دیگر از اسم ظاهر به جای ترجمه ضمیر در آیه ﴿وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ﴾ و یاد کن ای محمد روزی را که حشر کند خدای تعالی مشرکان را (فرقان/۱۷) در ترجمه پورجوادی آمده است: «روزی که آن‌ها و معبودهایی را که غیر از خدا می‌پرستیدند، محشور می‌کند.»

## ۲-۵- ترجمه حروف

شناخت معانی حروف و معادلیابی برای آنها از جمله دشواری‌های ترجمه آیات قرآن است در اینجا به برخی از اشکالات ترجمه در این خصوص می‌پردازیم.

\*\* ﴿وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ﴾ و نیز یاد کن آن حادثه را که واقع شد در آن وقت که بلند می‌کرد ابراهیم دیوارها را از خانه کعبه (بقره/۱۲۷) در این آیه «من» حرف جر زاید است یعنی در زبان فارسی مشابه و معادل ندارد و به دلیل ناسازگاری این ساختار خاص زبان عربی به ناچار «من» در ترجمه، حذف می‌گردد. (قلی‌زاده، ۱۳۸۰: ۲۶۰) عبارت درست آن در ترجمه الهی قمشه‌ای چنین آمده است: «و (یاد آر) وقتی که ابراهیم و اسماعیل دیوارهای خانه کعبه را برمی‌افراشتند.»

\*\* نمونه دیگر آیه ﴿إِنَّ الْمُنَافِقِينَ﴾ بدرستی که منافقان می‌باشند ﴿فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ﴾ در مرتبه زیر ترین ﴿مِنَ النَّارِ﴾ از دوزخ (نساء/۱۴۵) حرف «من» در این آیه زاید بوده و در زبان فارسی مشابه و معادل ندارد، بنابراین ترجمه نمی‌شود. ترجمه صحیح آن در ترجمه برزی آمده است: «قطعاً منافقان در پایین‌ترین درجات جهنم جای دارند.»

## ۲-۶- ترجمه ادوات

از اختصاصات زبان عربی ادوات است که بعضاً در ترجمه آیات نادیده گرفته شده و در ترجمه آیات لحاظ نمی‌شوند نمونه‌ای از آن عبارت است از:

\*\* در تفسیر شریف لاهیجی واژه «ألا» است که به صورت فعل «بدانید» ترجمه شده، که صحیح نیست. در آیه ﴿أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ بدانید به درستی که مر خدای تعالی راست آنچه در آسمان‌ها و زمین است. (یونس/۵۵) که ترجمه صحیح این عبارت در کتاب ترجمان فرقان، صادقی تهرانی چنین آمده است: «هان! (که) به راستی آنچه در آسمان‌ها و زمین است از آن خداست.»

## ۳- بررسی قواعد مربوط به ترجمه واژگان

مترجم در ترجمه آیات و سوره‌های قرآن پیش از شناخت چگونگی ترجمه عبارات و جمله‌های قرآن، باید ترجمه واژگان قرآن را بداند و معادل درست آن را در زبان فارسی

باید. ظرافت و دقت در برخی واژگان قرآن به دلیل وجود مترادف‌های فراوان در زبان عربی کار را برای مترجم دشوار می‌کند. از جمله لغزشگاه‌های مترجمان در مواردی مثل ترجمه نام‌های خداوند، نام‌های قیامت، واژگان مترادف است که به بخشی از آنها اشاره می‌شود.

### ۳-۱- ترجمه اسماء الحسنی

از مهم‌ترین واژگانی که مترجم باید در ترجمه آن دقت نماید اسامی خداوند در قرآن کریم است. مترجمین در ترجمه و معادل‌یابی برخی از آنها دچار مشکل بوده و بعضاً معادلی برای آنها در زبان فارسی نمی‌یابند. برخی از آنها در تفسیر شریف لاهیجی عبارتند از:

\*\* در خصوص ترجمه آیه ﴿هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ﴾ اوست آن خدایی که نیست معبود مستحق عبادت مگر او ﴿عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ﴾ داناست بدانچه غائب است از حس و بدانچه حاضر است نزد آن و بدانچه موجود است و معدوم است. ﴿هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ﴾ اوست بخشنده عباد در دنیا و در آخرت. (حشر/۲۲) در ترجمه قرآن مرکز فرهنگ و معارف قرآن این آیه که در بردارنده اسماء الحسنی است چنین ترجمه شده است: «اوست خدایی که معبودی جز او نیست، دانای نهان و آشکار است، اوست که گسترده رحمت و مهربان است.» (ترجمه قرآن مرکز فرهنگ و معارف قرآن)

\*\* ﴿الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ﴾ پادشاهی است در غایت تقدس و تنزه از شوائب نقصان السَّلامُ سالم است از هر عیبی و آفتی ﴿الْمُؤْمِنُ﴾ واهب و بخشنده ایمنی است بر عباد خود ﴿الْمُهَيِّمِنُ﴾ حافظ جمیع اشیاست و شاهد است مر اعمال عباد خود را گفته‌اند که مهیمن مایمن است که همزه را قلب بها کرده‌اند ﴿الْعَزِيزُ﴾ غالبست بر همه و بعضی گفته‌اند که عزیز آن است که وجودش به توسط پدر و مادر نباشد ﴿الْجَبَّارُ﴾ مقهور و مکره سازنده عباد و خلاق است بر آنچه اراده نماید و به این معنی مأخوذ است از جبر به معنی اکراه یا به معنی اصلاح‌کننده امور خلاق است و در کتاب صراح گفته جبر شکسته بسن و نیکو کردن حال کسی ﴿الْمُتَكَبِّرُ﴾ حقیر داننده هر چیز است به ذات خود یا منزله از صفات نقص و متصف به صفات کمال است. (حشر/۲۳) در ترجمه مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم، اسماء الحسنی این آیه را چنین ترجمه کرده‌اند: «اوست خدایی که معبودی جز او نیست؛ همو که فرمانروا، و بسیار پاک و سالم و ایمنی‌بخش و مراقب و عزتمند و قاهر و صاحب کبریاست.»

\*\* ﴿هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ﴾ و اوست معبودی که پدید آورنده اشیاست و بیرون آورنده از عدم به وجود خالق و باری هر دو بیک معنی‌اند ﴿الْمُصَوِّرُ﴾ عطا کننده صور به اشیاست به ایجاد صور در مواد ﴿لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى﴾ مر او راست نام‌های نیکو ﴿يَسْبِغُ لَهُ﴾ تسبیح می‌کند مر او را ﴿مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ آنچه در آسمان‌ها و زمین است ﴿وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ و اوست غالب و داننده اشیا کما هی علیه و گفته‌اند که حکیم از احکام به معنی اتقان است یعنی ایجاد اشیا می‌کند چنانچه باید و شاید (حشر/۲۴) ترجمه روان و مختصر

اسامی خداوند در این آیه در ترجمه قرآن مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم این گونه ترجمه شده است: «اوست خدای خالق و نوآفرین و صورت‌بخش که بهترین نام‌ها از آن اوست. آنچه در آسمان‌ها و زمین است او را تنزیه می‌کنند، و اوست که عزتمند و حکیم است»

### ۳-۲- ترجمه اسامی قیامت

تعداد زیادی از اسامی قیامت در آیات قرآن آمده است، برای نشان دادن تفاوت‌هایی که خداوند در هر یک نسبت به دیگری لحاظ کرده، نیازمند دقت فراوان در ترجمه است. برخی از این اسامی به شرح ذیل است.

\*\*\* در این تفسیر برای ترجمه نام تغابن از اسامی قیامت از فعل «به زیان اندازد» استفاده کرده است. (ذَلِك) این روز جمع ﴿يَوْمُ التَّغَابِنِ﴾ روزی است که به زیان اندازند اهل جنت اهل دوزخ را (تغابن/۹) برای ترجمه تغابن در ترجمه قرآن آقای فارسی آمده است: «... آنک دوران دریغ خوردن بر ناکامی.» در ترجمه رضایی اصفهانی نیز آمده است: «آن روز زیانکاری است.»

\*\*\* ﴿وَأَنْذَرُهُمْ يَوْمَ الْأُزْفَةِ﴾ و بترسان اهل تکلیف را از عذاب روز قیامت که آن را یوم الأُزفة گویند؛ زیرا که «ازوف» به معنی قرب است و به جهت قرب وقوع قیامت یوم الأُزفه‌اش گویند (غافر/۱۸) ترجمه روان آن در ترجمه ارفع چنین آمده است: «مردم را از روزی بترسان که دلها از وحشت به گلو می‌رسد.»

\*\*\* در ترجمه «یوم التناد» آمده است: ﴿إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ يَوْمَ التَّنَادِ﴾ به درستی که من می‌ترسم بر شما عذاب روزی را که ندا کند دوزخیان مر اهل بهشت را. (غافر/۳۲) ترجمه روان و زیبای این عبارت به صورت «روز فریاد خواهی» در ترجمه رضایی اصفهانی چنین آمده است: «و ای قوم [من]! در حقیقت من بر شما از روز فریاد خواهی (رستاخیز) می‌ترسم.» \*\*\* ترجمه ﴿يَوْمَ الْقِيَامَةِ﴾ در آیه (بقره/۸۵) به همان صورت «روز قیامت» در تفسیر شریف لاهیجی آمده است؛ اما مترجمین ﴿يَوْمَ الْقِيَامَةِ﴾ را به صورت روز رستاخیز (خرمدل، رضایی اصفهانی، فولادوند، پاینده)، روز رستاخیز (گرمارودی، تفسیر روان جاوید، تفسیر کشف الاسرار) آمده است.

در ترجمه «الساعة» از اسامی قیامت آمده است: ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ﴾ سؤال می‌کنند ترا ای محمد از قیامت (اعراف/۱۸۷) اما در ترجمه معزی چنین آمده است: «پرسندت از ساعت چه وقت است لنگرگاه آن.»

در تفسیر شریف لاهیجی ترجمه ﴿وَبِالْيَوْمِ الْآخِرِ﴾ و به روز قیامت، (بقره/۸) ترجمه شده است؛ ولی ترجمه درست و روان آن در تفسیر رهنما و ترجمه رضایی اصفهانی و فولادوند چنین آمده است: «و به روز بازپسین» و در ترجمه مشکینی «روز واپسین» آمده است.

### ۳-۳- ترجمه واژگان مترادف و قریب المعنی

مفسر تفسیر شریف لاهیجی در مواردی بین ترجمه واژگان مترادف و قریب المعنی تفاوتی قائل نشده است مثل واژه‌های خوف و خشیت. و در مواردی بین آن‌ها تفاوت قائل شده مثل واژه‌های خُمُر و جلابیب.

#### الف) ترجمه خَوْف و خشیت

مفسر تفسیر شریف لاهیجی تفاوتی بین خوف و خشیت در ترجمه، قرار نداده و هر دو را به «ترس» ترجمه کرده است.

\*\* در خصوص ترجمه «خوف» آورده ﴿فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ﴾ پس ترسی نیست (بقره/۳۸-۶۲-یونس/۶۲) در حالی که در ترجمه رضایی اصفهانی، فولادوند و آیتی «خوف» در این آیات «بیم»، «بیمناک» و «ترس» ترجمه شده «نه بیمی دارند».

\*\* در خصوص ترجمه «خشیت» آورده ﴿إِنِّي خَشِيتُ﴾ به درستی که من می‌ترسیدم، (طه/۹۴) ﴿مَنْ خَشِيتَهُ﴾ از ترس عذاب خدای تعالی (انبیاء/۲۸) ولی در ترجمه رضایی اصفهانی آیه ۹۴ طه و ۲۸ انبیاء «خشیت» به «هراس» ترجمه شده است: «[چرا] که هراس داشتم» بنابراین مترجمان در ترجمه، بین دو واژه «خوف» و «خشیت» تفاوت قائل شده‌اند.

#### ب) ترجمه خُمُر و جلابیب

\*\* در خصوص واژه خمر آورده است: ﴿وَلْيَضْرِبَنَّ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ﴾ و باید که بیندازند زنان مقنعه‌های خود را بر بالای چاک‌های گریبان‌های خود و مراد از ضرب مقنعه بر جیوب انداختن کنار مقنعه است بر چاک گریبان تا گردن و سینه نماید (نور/۳۱) مترجمان هم واژه «خُمُر» را به «روسری» یا «مقنعه» ترجمه کرده‌اند.

\*\* در خصوص ترجمه واژه جلابیب آورده است: ﴿مَنْ جَلَابِيبِهِنَّ﴾ بعضی از چادرهای خود را. بنابراین کلمه من برای تبعیض است؛ زیرا که تمام چادر ابدان آنها را نمی‌پوشاند (احزاب/۵۹) مترجمان هم واژه «جلابیب» را به «روسری بلند» یا «چادر» ترجمه کرده‌اند.

### ۴- ترجمه غلط برخی واژه‌ها

تفسیر شریف لاهیجی در برخی موارد معانی غلطی برای واژگان قرآن ارائه داده که به برخی از آنها پرداخته می‌شود.

\*\* در ترجمه «یَوْمِ الظَّلَّةِ» در تفسیر شریف لاهیجی آمده است: ﴿فَأَخَذَهُمْ عَذَابٌ يَوْمِ الظَّلَّةِ﴾ پس گرفت ایشان را عذاب روز گرما و روز باد سموم. (شعراء/۱۸۹) «روز گرما و روز باد سموم» ترجمه «یوم الظله» نیست، بلکه از لوازم آن است؛ ولی اکثر مترجمان آن را مترادف «یوم العظیم» به معنای «روزی بزرگ» در نظر گرفته‌اند. برخی مترجمان هم به

صورت‌های دیگری ترجمه کرده‌اند که عبارت است از: «روز سایبان» (شعرانی)، «روز سایه» (سراج، رهنما و تفسیر صفی علساه)، «روز ابر پرآتش». (نسفی: ۱۳۷۶، ۷۰۸/۲)

\*\*\* در آیه ﴿لَهُ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ﴾ مر او راست در دار دنیا رسوایی (حج/۹) در خصوص معنای خیزی در کتب لغت آمده است: خیزی یعنی خواری. اصل آن ذلتی است که شرمساری می‌آورد. ﴿لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ (بقره/۱۱۴) برای آنهاست در دنیا خواری مخصوص و در آخرت عذابی بزرگ. (قرشی، ۱۳۷۱: ۲/۲۴۰) براین اساس ترجمه صحیح آن در تفسیر مخزن العرفان چنین آمده است: «چنین کسی را در دنیا ذلت و خواری است.» (نصرت بیگم امین، ۸، ۳۳۱)

\*\*\* ﴿مَتْلُهُمْ﴾ حال این منافقان در اضاعت نور فطرت و وقوع در ضلالت ﴿كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْقَدَ نَارًا﴾ یعنی مانند حال کسی است که بر افروزد به جهت دیدن اطراف خود آتشی (بقره/۱۷) در این آیه مترجم واژه «مثل» را به «حال» ترجمه کرده است. ترجمه درست آن در ترجمه رضایی اصفهانی چنین آمده است: «مثال آنان همانند مثال کسانی است که آتشی افروختند»

\*\*\* واژه «تقسطوا» در تفسیر شریف لاهیجی این چنین ترجمه شده است: ﴿وَإِنْ خِفْتُمْ﴾ و اگر بترسید شما ﴿أَلَّا تَقْسُطُوا﴾ از اینکه برآستی عمل نکنید ﴿فِي الْيَتَامَى﴾ در حقوق یتیمان (نساء/۳) «راستی» ترجمه صحیح «تقسطوا» نیست. ترجمه صحیح این واژه در ترجمه خرمدل آمده است: «و اگر ترسیدید که درباره یتیمان نتوانید دادگری کنید.»

\*\*\* در آیه ﴿فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُوا فَنِيَ النَّارِ﴾ پس اما آنان که بدبخت شدند پس در آتش خواهند بود ﴿لَهُمْ فِيهَا زُفِيرٌ﴾ مر ایشان را است در آن آتش اخراج نَفَسِ از حلق ﴿وَشَهيقٌ﴾ و رد آن نَفَسِ بنا بر شدت الم و غم (هود/۱۰۶) مفسر برای واژه‌های «زفیر» و «شهیق» معادلی در زبان فارسی نیافته؛ بنابراین به جای ترجمه، آنها را توضیح داده است: در خصوص معنای «زفیر» و «شهیق» در مفردات راغب آمده: «الشهيق: برگرداندن و بیرون دادن تنفس عمیق و طولانی و زفیر- نفس عمیق کشیدن» (راغب، بی تا: ۲، ۳۵۸) در حالی که ترجمه این دو واژه در ترجمه فولادوند و رضایی اصفهانی چنین آمده است: «فریاد و ناله‌ای دارند.» و برعکس آن در ترجمه ارفع چنین آمده: «در جهنم ناله و فریاد سر می‌دهند.» با توجه به آنچه راغب گفته، ترجمه ارفع صحیح‌تر است.

## ۵- تطابق ساختار زبان مبدأ و مقصد در ترجمه

در زبان عربی، صفت و موصوف در جمع و افراد با همدیگر تطابق می‌کنند، به خلاف فارسی. (رضایی اصفهانی، آشنایی با اصول و روش‌های ترجمه، ۹۵) نمونه‌ای از آن عبارت است از:

در تفسیر شریف لاهیجی آمده است: ﴿كِرَامٍ﴾ آن سفره عزیزانند نزد خدای تعالی ﴿بِرَّةٍ﴾

نیکوکارانند. (عبس ۱۶) در این ترجمه هر دو را به صورت جمع ترجمه کرده، «گرام» جمع «کریم» و «برره» جمع «بار» است به معنای «گرامیان نیکوکاران» می‌شود؛ در ترجمه رضایی اصفهانی آمده است: «ارجمندان نیکوکار (است)». در ترجمه شاه ولی‌الله دهلوی نیز آمده است: «بزرگ‌منش نیکوکردار»

## ۶- استفاده از معادل و مترادف‌های عربی در ترجمه لغات قرآن

در این تفسیر، موارد فراوانی در آیات یافت می‌شود که مترجم در معادل‌یابی واژه‌ها موفق نبوده و از کلمات مترادف عربی استفاده کرده است؛ که نمونه آن عبارت است از:

\*\*\* و چون حق تعالی خَلَقَ آسْمَانَ وَ زَمِينَ كَرَد ﴿فَقَالَ لَهَا وَ لِلْأَرْضِ﴾ پس گفت مر آسمان و مر زمین را ﴿أَتِنِيَا طَوْعاً أَوْ كَرْهاً﴾ بیائید به آنچه شما را بفرمایم خواه در حالتی که مطیع باشید و خواه در حالتی که مکروه باشید ﴿قَالَتَا﴾ گفتند آسمان و زمین ﴿أَتَيْنَا طَائِعِينَ﴾ آمدیم ما در حالتی که مطیع و فرمان برنده‌ایم. (فصلت/۱۱) واژه «طوعاً» به «مطیع» و واژه «کرهاً» به «مکروه» ترجمه شده؛ که هر دو واژه عربی هستند. ترجمه ﴿طَوْعاً أَوْ كَرْهاً﴾ در ترجمه رضایی اصفهانی، فولادوند، آیتی و بسیاری ترجمه‌های دیگر چنین آمده: «پس به آن و به زمین فرمود: «خواه یا ناخواه بیاید.» آن دو گفتند: «فرمان‌پذیر آمدیم.»

## ۷- قواعد ترجمه مربوط به ترجمه جملات

یک سطح از بررسی ترجمه‌های قرآن مربوط به ترکیب کلمات و تشکیل عبارات و جملات است. ترجمه آیات در تفسیر شریف لاهیجی عمدتاً ترجمه تحت اللفظی است. برخی از اشکالات این ترجمه بررسی می‌شود. نمونه‌ای از ترجمه تحت اللفظی این آیه است. ﴿يَوْمَ تَبْدُلُ الْأَرْضَ غَيْرَ الْأَرْضِ وَ السَّمَاوَاتُ﴾ در روزی که تبدیل کرده شود زمین به غیر زمین و آسمان‌ها به غیر آسمان‌ها. (ابراهیم/۴۸) ترجمه روان این آیه در ترجمه رضایی اصفهانی چنین آمده است: «در روزی که زمین به غیر این زمین، و آسمان‌ها (به آسمان‌های دیگری) تبدیل می‌شوند.»

## ۷-۱- ترجمه خطاب‌های قرآن

یکی از مواضعی که در بررسی ترجمه آیات قرآن مورد بررسی قرار می‌گیرد خطابات قرآن است؛ در اینجا مواردی از خطاب که با «یا أَيُّهَا...» شروع شده را بررسی می‌کنیم.

\*\*\* در خصوص دو خطاب ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ﴾ و ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ﴾ عموماً مترجمان تفاوتی قائل نشده و این دو خطاب به رسول اکرم (ص) را این‌گونه ترجمه کرده‌اند: «ای پیامبر!» اما در تفسیر شریف لاهیجی بین این دو، تفاوت قائل شده است. این‌گونه ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ﴾ ای فرستاده به حق (مائده/ ۴۱ و ۶۷) ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ﴾ ای پیغمبر برگزیده رفیع مرتبه (انفال/ ۶۴ و



۶۵ و ۷۰) که از جمله نکات درست و قوت این ترجمه است. همچنین در ترجمه ﴿يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ﴾ ای فرستادگان به سوی عباد و ای پیغمبران. (مومنون/۵۱) آن را به درستی ترجمه کرده است. (اشکوری، ۱۳۷۳: ۲۳۵/۳)

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا﴾ ای آن گروهی که ایمان به خدا، به رسول و به خدا آورده‌اید (بقره/۲۶۴) در ترجمه این عبارت بیشتر مفسران ترجمه کرده‌اند: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید». (ر.ک: ترجمه رضایی اصفهانی، فولادوند، آدینه وند، صادقی تهرانی، خرمدل، مکارم شیرازی و ...)

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا﴾ ای آن جماعتی که اختیار دین یهودیت کردند و مسمی بیهود شدند (جمعه/۶) ترجمه این عبارت در ترجمه‌های کاویانپور، صادقی تهرانی، فولادوند و برزی چنین آمده است: «ای کسانی که یهودی شده‌اید.»

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا﴾ ای آن کسانی که انکار ربوبیت رب العالمین و رسالت خیر النبیین کردید (تحریم/۷) انکار ربوبیت ترجمه «جحد، ججود و یجحدون» است که در آیات انعام/۳۳، اعراف/۵۱، نحل/۷۱، غافر/۶۳، فصلت/۱۵ و ... آمده است. ججود و کافران فرق داشته، بنابراین ترجمه درست آن در ترجمه فولادوند چنین آمده است: «ای کسانی که کافر شده‌اید.»

﴿يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾ به تفصیل آمده است: ای گروه ناگرویدگان به خدای تعالی و رسول او (کافرون/۱) این ترجمه شبیه به ترجمه‌ای است که میدی در تفسیر کشف الاسرار «ناگرویدگان» (میدی، ۱۳۷۱: ۶۴۲/۱۰) و همچنین ابوالفتوح رازی در تفسیر روض الجنان است: «بگو ای ناگرویدگان.» (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۱۷۸/۴) ولی عموماً مترجمان، این خطاب را «ای کافران» ترجمه کرده‌اند.

#### ۷-۲- اضافه غلط و اضافه لازم در ترجمه

منظور از این نوع افزودنی‌های نابجا آن است که مترجم کلمه، عبارت، جمله و یا جمله‌هایی را بر متن و ترجمه قرآن بیفزاید که ارتباطی میان آن افزوده‌ها با متن قرآن نباشد و در واقع افزوده‌ها مغایر با متن، سیاق و پیام قرآن باشد. (قلیاده، ۱۳۸۰: ۲۶۳)

#### الف) اضافه غلط

﴿إِلَى اللَّهِ﴾ به سوی جزای خدای تعالی است ﴿مَرَّجِعُكُمْ جَمِيعًا﴾ بازگشت همه شما (مائده/۱۰۵) در این آیه «الی الله» به سوی جزای خدا معنا شده نه به سوی خدا. در صورتی که دلیلی ندارد که آن را به سوی جزای خدا معنا کنیم. در ترجمه سراج آمده است: «تنها به سوی خداست بازگشتن همه شما»

﴿وَاتَّقُوا اللَّهَ﴾ و پرهیز کنید از معصیت و بترسید از عذاب خدای تعالی (انفال/۶۶۹)

در این ترجمه عبارت «از عذاب» اضافه بوده و دلیل بر اضافه کردن آن نیست. در ترجمه آیتی آمده است: «و از خدا بترسید»

### ب) اضافه لازم

\*\* در آیه ﴿الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْكُمْ مِنْ نِسَائِهِمْ﴾ آنانی که ظاهر می‌کنند از جمله شما از بعضی زنان خود و تشبیه می‌کنند ظهر زنان خود را به ظهر مادران خود یا آنانی که ظاهر می‌کنند از جمله شما حالکونی که باین ظاهر اراده دوری می‌نمایند از زنان خود. (مجادله/۲) با توجه به ابهام در واژه «يُظَاهِرُونَ» لازم است در ترجمه آیه توضیحاتی برای شرح آن آورده شود. ترجمه روان این آیه در ترجمه آیت الله مکارم شیرازی چنین آمده است: «کسانی که از شما نسبت به همسرانشان «ظاهر» می‌کنند (و می‌گویند: «أَنْتِ عَلَيَّ كَظَهْرِ أُمِّي تُو نَسَبْتِ بِي مِنْ بِيْمَنْزَلَةِ مَادَرَمِ هَسْتِي»)...»

### ج) استفاده از واژگان مترادف در ترجمه یک کلمه

\*\* ﴿وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ و خدای تعالی روزی می‌دهد هر که را خواهد بی‌شمار و بی‌نهایت. (بقره/۲۱۲) در این آیه ترجمه (بغیر حساب) با دو کلمه مترادف «بی‌شمار» و «بی‌نهایت» ترجمه شده است، هر چند که اشکالی ندارد، اما بهتر است واژه مترادف در پراکنش آورده شود. مترجمین «بغیر حساب» را به صورت‌های زیر ترجمه کرده‌اند. بی‌دریغ (طاهری)، بی‌شمار (فولادوند، آدینه‌وند)، بی‌حساب (آیتی، انصاریان)، بی‌شمارش (خسروی)، بدون محاسبه (صفوی).

\*\* در ترجمه عبارت ﴿فَأُولَئِكَ كَانَتْ لَهُمْ مَشْكُورًا﴾ آمده: پس آن گروه هست سعی ایشان مقبول و پسندیده نزد خدای تعالی. (اسراء/۱۹) در اینجا از دو واژه «مقبول» و «پسندیده»، در ترجمه «مشکور» استفاده شده. ترجمه این عبارت در ترجمه رضایی اصفهانی چنین آمده است: «پس آنان تلاششان سپاسگزاری خواهد شد.» در ترجمه فولادوند نیز آمده است: «آنانند که تلاش آن‌ها مورد حق‌شناسی واقع خواهد شد.»

### ۷-۳- حذف در ترجمه جملات

حذف به جای عناصر ساختاری متن مبدأ در ترجمه معمولاً در مواردی انجام می‌گیرد که ترجمه آن عناصر، موجب خدشه و اختلال در ساختار نحوی-معنایی زبان مقصد (فارسی) و نیز موجب اختلال در فصاحت و بلاغت آن زبان می‌گردد. بدین معنی که چون آن عناصر در زبان مقصد (فارسی) مشابه ساختاری ندارد بنابراین ذکر آن‌ها در ترجمه، موجب می‌گردد که سلاست و فصاحت نحوی زبان مقصد (فارسی) از بین برود و ترجمه بوی تقلید، تقلید و گرت‌برداری بدهد. از این جهت است که در ترجمه باید به جای «مشابه» ساختاری آن عناصر، «معادل» ساختاری آن‌ها را جست و به کار برد. یعنی عناصر و اجزای

ناهمگون با ساختار زبان مقصد (فارسی) را در ترجمه حذف نمود. (قلیزاده، ۱۳۸۰: ۲۵۲) در ادامه نمونه‌ای از این دست بررسی می‌شود.

\*\*\* ﴿يَطُوفُونَ بَيْنَهَا﴾ طوف می‌کنند میان دوزخ ﴿وَبَيْنَ حَمِيمٍ آتٍ﴾ و میان آب گرم (الرحمن/۴۴) چنانکه می‌دانیم ساختار نحوی «بین... بین...» مختص زبان عربی است. این ساختار در زبان فارسی، مشابه ندارد و چنانچه به همان شکل و ساختار در زبان فارسی به کار رود یکی از دو کلمه بین زائد و حتی بی معنی خواهد بود؛ زیرا در زبان فارسی کلمه بین و میان حاکی از وجود دو یا چند چیز است و نیازی به تکرار بین و میان برای آن‌ها نیست. (قلیزاده، ۱۳۸۰: ۲۵۸) در ترجمه ارفع چنین ترجمه شده است: «و امروز در میان آن و آب سوزان در رفت و آمدند.»

\*\*\* نمونه دیگر آیه ﴿فَأَفْرُقْ بَيْنَنَا﴾ پس حکم کن میان ما به چیزی که مستحق آن باشیم یا آنکه جدایی افکن میان ما ﴿وَبَيْنَ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ﴾ و میان این قوم بیرون رفته از دایره فرمانبرداری (مائده/۲۵) است. در ترجمه آدینه وند آمده است: «میان من و این جمعیت گنهکار جدایی بیفکن»

#### ۷-۴- ترجمه جزء به جای کل

مفسر با توجه به دیدگاه خاص تفسیری خود در برخی موارد ترجمه جزئی را به جای کل آورده است مثل آیه ذیل:

\*\*\* ﴿ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ﴾ پس بعد از خلق جمیع ما فی الارض قصد کرد به سوی آفریدن اجرام عالیه سماویه ﴿فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ﴾ پس خلق کرد به طریق اعتدال بدون فتور و اعوجاج اجرام سماویه را هفت آسمان، چون مراد از سماء اجرام سماویه است. (بقره/۲۹) ایشان منظور از سماء را اجرام سماوی می‌دانند. در ترجمه صلواتی آمده است: «آنگاه به [آفرینش] آسمان پرداخت، و هفت آسمان برافراشت.»

#### ۸. قواعد ترجمه مربوط به ساختار کلام

بخش‌های مختلف هر متن، دارای قرینه‌هایی برای فهم آن متن است. توجه به پیوستگی و ارتباط بخش‌های مختلف هر متن، برای فهم و تفسیر و ترجمه آن لازم است و عدم توجه به این امر، گاهی موجب لغزش می‌شود. مترجم برای فهم آیات و تفسیر و ترجمه آن لازم است به آیات مشابه و مخالف و قراین موجود در آیات و سوره‌های دیگر توجه کند. (رضایی اصفهانی: ۱۳۹۱، ۱۴۵) برخی از موارد اشکال در ساختار و نظم کلام را بررسی می‌نماییم.

## ۸-۱- توضیحات تفسیری در ترجمه آیات

یکی از قواعد ترجمه، جداسازی متن از توضیحات، به وسیله پراکنش یا علائم مشابه است تا خواننده بتواند بین کلام الهی و کلام مترجم، تفاوت بگذارد و اشتباه نشود. (رضایی اصفهانی: ۱۳۹۱، ۱۳۱)

تفسیر شریف لاهیجی، از آن جهت که اساساً تفسیر قرآن است و نه ترجمه قرآن، بنابراین وجود اضافات تفسیری در ترجمه واژگان و عبارات قرآن دور از انتظار نیست؛ نمونه‌هایی از آن‌ها را در اینجا ذکر کرده‌ایم.

\*\*\* ﴿وَكُلُّ إِنْسَانٍ﴾ و هر آدمی را ﴿الزَّمْنَاهُ﴾ لازم گردانیدیم بر او ﴿طَائِرَةٌ﴾ عمل او را و آنچه مقدر شده برای او از خیرات و شرور ﴿فِي عُنُقِهِ﴾ در گردن او مانند لزوم طوق در گردن او. (اسراء/۱۳) توضیحات تفسیری برای واژه «طَائِرَةٌ» و «فِي عُنُقِهِ» آمده است. ترجمه مختصر و روان آن در ترجمه آیتی چنین آمده است: «کردار نیک و بد هر انسانی را چون طوقی به گردنش آویخته‌ایم.»

\*\*\* در ترجمه آیه ﴿إِنَّا نَسِينَاكُمْ﴾ به درستی که ما نیز ترک کردیم و فرو گذاشتیم شما را در عذاب ابد و نکال سرمد (سجده/۱۴) توضیحات تفسیری و شرح طولانی آمده است؛ در حالی که ترجمه مختصر و روان آن، در ترجمه حجتی چنین آمده است: «ما نیز شما را فراموش کردیم.»

\*\*\* عبارات تفسیری طولانی در آیه ﴿إِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَى﴾ به درستی که هدایت خدای تعالی که دین اسلام است آن است هدایت نه آنچه شما مرا به تبعیت آن می‌خوانید (بقره/۱۲۰) آمده است، ترجمه مختصر آن در ترجمه فولادوند چنین آمده است: «بگو: در حقیقت، تنها هدایت خداست که هدایت [واقعی] است.»

\*\*\* توضیحات تفسیری در ترجمه آیه ﴿وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى﴾ آمده است: و چنان که ترک کردی آیات ما را همچنین در این روز قیامت ترک کرده میشوی تو در آتش دوزخ. (طه/۱۲۶) در حالی که ترجمه آن در ترجمه حجتی چنین آمده است: «امروز نیز تو فراموش خواهی شد.»

## ۸-۲- لحاظ کردن دیدگاه تفسیری در ترجمه

مفسر در تفسیر شریف لاهیجی صاحب آرای تفسیری خاص خود است و بنابراین طبیعی است که این نظرات را در ترجمه آیات قرآن لحاظ نماید. نمونه‌هایی از این دیدگاه‌های تفسیری عبارتند از:

\*\*\* در ترجمه آیه ﴿مَنْ يُجَادِلْ فِي اللَّهِ﴾ کسی است که از غایت عناد نزاع می‌کند در اموری که خدای تعالی به آن خبر داده (حج/۳) دیدگاه تفسیری مفسر این است که مجادله در

اموری است که خداوند به آنها خبر داده است، نه در مورد خود خدا. در حالی که مترجمان و مفسران این عبارت را چنین ترجمه کرده‌اند: «بعضی از مردم، بی‌هیچ دانشی درباره خداوند مجادله می‌کنند» (ترجمه تفسیر کاشف، ۵، ۵۰۲)

\* مفسر در ترجمه آیه ﴿حَتَّى تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ﴾ متردد بین دو دیدگاه تفسیری است و هر دو را در ترجمه خود آورده است: تا وقتی که بیاید بدیشان موت یا قیامت. (حج/۵۵) ولی در ترجمه تفسیر المیزان آمده است: «و کسانی که کافرند پیوسته از آن به شک اندرند تا ناگهان رستاخیز سویشان بیاید.» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۴۰/۱۴)

\* در مورد آیه ﴿لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ﴾ هر آینه به تحقیق گمراه کرد و بازداشت مرا از قرآن و از تدبر در آن ﴿بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي﴾ پس از آنکه آمد قرآن مرا (فرقان/۲۹) در ترجمه "ذکر" «هم قرآن و هم تدبر در آن» در ترجمه آمده است. ولی در ترجمه آدینه وند "ذکر" را به صورت مطلق یعنی «یاد حق» ترجمه کرده است: «او مرا از یاد حق گمراه ساخت بعد از آنکه آگاهی به سراغ من آمده بود.» ولی در ترجمه رضایی اصفهانی در پراکنش آن را چنین توضیح داده است: «به یقین پس از آنکه (قرآن و پیامبر) به من رسید، مرا از یاد (آن‌ها) گمراه ساخت.»

### ۳-۸- ترجمه آیات و عبارات دشوار

معادل‌یابی در ترجمه، کاری لازم، دقیق و طاقت فرساست و همسان‌سازی معادل‌های کلمات، کاری دشوارتر است؛ ولی به هر حال، ضروری است؛ چرا که همسان‌سازی، نظم کلمات و آیات و همگونی آنها را در ترجمه بازتاب می‌دهد و یکی از نقدهایی که معمولاً درباره ترجمه‌ها وجود دارد، عدم رعایت این قاعده است. (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۱: ۱۳۴)

\* ﴿وَ هُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ﴾ و حال آنکه او در وقت مجادله و گفتگو نتواند که بیان مدعای خود کند از جهت نقصان عقل (زخرف/۱۸) در این آیه «خصام» به «مجادله» ترجمه شده، در صورتی که این دو با هم متفاوت هستند و «غیر مبین» را به صورت فعل «نتواند بیان مدعای خود کند» ترجمه کرده است. ولی ترجمه آن در ترجمه رضایی اصفهانی چنین آمده است: «و او در کشمکش (ها، بیان) روشنگر ندارد.» بنابراین رضایی اصفهانی «خصام» را به «کشمکش» و «غیر مبین» را به صورت فعل «روشنگر ندارد» ترجمه کرده است. در ترجمه فولادوند آمده است: «و در [هنگام] مجادله، بیانش غیر روشن است؟» جمله را به صورت سوالی آورده و «خصام» را «مجادله» ترجمه کرده و «غیر مبین» را به خوبی «غیر روشن» ترجمه کرده است.

\* آیه تطهیر در این تفسیر چنین ترجمه شده است: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ﴾ جز این نیست که می‌خواهد خدای تعالی ﴿لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ﴾ تا ببرد از شما معصیت را و آن چیزی را که رضای الهی در آن نباشد ﴿أَهْلَ الْبَيْتِ﴾ ای اهل بیت نبوت و رسالت ﴿وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ و پاک گرداند شما را پاک گردانیدنی از جمیع قبایح و معاصی. (احزاب/۳۳) در این ترجمه

«الرَّجْس» به «معصیت» ترجمه شده که درست نیست و مفعول مطلق «تطهیراً» به صورت لفظ به لفظ ترجمه شده در صورتی که باید به جای آن قید «کاملاً» آورده شود. ترجمه صحیح این بخش از آیه در ترجمه خرمدل این چنین آمده است: «خداوند قطعاً می‌خواهد پلیدی را از شما اهل بیت (پیغمبر) دور کند و شما را کاملاً پاک سازد.»

\*\*\* در ترجمه عبارت ﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ﴾ یعنی مردان والیان و غالبانند بر زنان خود که تا آن زنان را تادیب کنند (نساء/۳۴) واژه «قَوَّامُونَ» به «والیان و غالبان» ترجمه شده است؛ در حالی که هر دو واژه عربی هستند و ترجمه صحیح «قَوَّامُونَ» نیست. مترجمین این عبارت را به صورت‌های مختلفی ترجمه کرده‌اند که عبارتند از: رضایی اصفهانی: «مردان، [مایه] پایداری زنانند.»؛ ترجمه فولادوند: «مردان، سرپرست زنانند.»؛ ترجمه ارفع: «مردان، قیام‌کننده به امور زنان هستند.»؛ ترجمه الهی قمشه‌ای: «مردان را بر زنان تسلط و حق نگهبانی است.»؛ ترجمه یاسری: «مردها مسلمانند بر زنها.» ترجمه نوبری: «مردان به جمیع امور زنان قیم می‌باشند (اطاعت کردن زنان از مردان واجب است)». روشن است که برخی از ترجمه‌ها مطابق آرای تفسیری، مترجمین هستند؛ از بین آنها ترجمه رضایی اصفهانی دقیق‌تر است.

#### ۸-۴- ترجمه موارد اختلاف قرائت در آیه

مفسر تفسیر شریف لاهیجی در آیاتی که اختلاف قرائت وجود دارد، اصل را بر قرائت مشهور که مطابق با قرائت حفص از عاصم است گذاشته و آن را ترجمه کرده است و سپس بر اساس اختلاف قرائت دیگر نیز آیه را ترجمه کرده، نمونه‌های از آن عبارتند از:

\*\*\* ﴿مَالِكِ يَوْمَ الدِّينِ﴾ خداوند روز جزا و متصرف در آن روز است به هرچه خواهد. و بنا بر قرائت «ملک یوم الدین» ترجمه‌اش چنین است که پادشاه روز جزاست که سلطنت و پادشاهی در آن روز او را باشد، چنانچه فرموده ﴿لَمَن الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ﴾ (غافر/۱۶).

نمونه دیگر آیه ﴿وَلَا تَقْرُبُوهُنَّ﴾ و نزدیکی نکنید با ایشان به جماع، مراد از اعتزال مأمور به و قرب منهی عنه اجتناب از جماع زنان است در حال حیض و نزدیکی نامودنست با ایشان به جماع، و مراد نهی از مطلق نزدیکی نیست ﴿حَتَّى يَطْهَرْنَ﴾ تا آنکه پاک شوند و خون ایشان منقطع شود بنا بر قرائت تخفیف طاء، یا تا آنکه غسل کنند بنا بر تشدید طاء، أصحاب ما رضوان الله علیهم هر دو معنی را مذهب ساخته‌اند، لیکن جماع بعد از انقطاع دم و قبل از غسل را مکروه می‌دانند، چنانچه حدیث علی بن یقین از حضرت امام موسی کاظم (ع) صریح بر این معنی است. (بقره/۲۲۲)

#### ۸-۵- تفسیر به جای ترجمه

مفسر به جزء مواردی که توضیحات تفسیری را در معنای عبارات قرآنی لحاظ کرده است، گاهی عبارت یا آیه‌ای را ترجمه نکرده و به جای آن، تفسیر عبارت را ارائه داده است. \* \* \* در ترجمه آیه ﴿وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا﴾ و نیست نیکویی به اینکه در آئید به خانه‌ها از راه‌های غیر مقرر و معهود (بقره/۱۸۹) «راه‌های غیر مقرر و معهود» ترجمه «ظهور» نیست؛ بلکه آن به معنای «پشت بام» است. ترجمه آیه در ترجمه آیتی چنین آمده است: «و پسندیده نیست که از پشت خانه‌ها به آنها داخل شوید.»

#### ۸-۶- تأکید در کلام

تأکید در ساختار کلام عربی به شکل‌های مختلفی ظهور و بروز دارد؛ گاهی چینش کلمات و تقدم و تأخر آنها حکایت از تأکید در کلام است، که لازم است مترجم آن را در ترجمه لحاظ کند و مترجمان بعضاً نسبت به آن دچار غفلت می‌شوند. نمونه‌ای از آن در آیه ذیل آمده است.

\* \* \* ﴿وَمَا لِلَّهِ بِعَاقِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ﴾ و نیست خدای تعالی غافل از آنچه می‌کنید (بقره/۸۵) آیه دارای تأکید است و باید واژه «هرگز» در ترجمه لحاظ شود، اما اکثر مترجمان آن را لحاظ نکرده‌اند. ترجمه صحیح عبارت از مترجمی ناشناخته در قرن دهم هجری چنین آمده است: «و نیست خدای هرگز بی‌آگاه از آنچه می‌کنید.»

#### ۹- محاسن ترجمه آیات در تفسیر شریف لاهیجی

از این جهت که «چو عیب او گفتی، حسنش نیز بگو» مواردی از محاسن ترجمه در این تفسیر را متذکر می‌شویم. در ترجمه برخی آیات می‌توان واژگان اصیل زبان فارسی را پیدا کرد. \* \* \* ﴿وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ﴾ و حال آنکه دل او آرمیده باشد به ایمان (نحل/۱۰۶) در ترجمه واژه «مطمئن» واژه زیبایی و صحیح «آرمیده» به کار رفته است. در مقابل مترجمان از واژه‌های اطمینان (فولادوند)، آرام (رضایی)، استوار (بروجردی)، مطمئن (صلواتی، طاهری، انصاریان)، آرامش (شعرانی)، ثابت (الهی قمشه‌ای) استفاده کرده‌اند.

\* \* \* ﴿هُدًى وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ﴾ و مژده دهنده است (نحل/۸۹) «بشری» اسم فاعلی است که در اینجا به درستی به «مژده دهنده» ترجمه شده است؛ در حالی که در ترجمه‌های مختلف این چنین ترجمه شده است: مژده‌ای برای مسلمانان (رضایی اصفهانی)، بشارت‌گری (فولادوند)، بشارت (آدینه‌وند)، بشارت (آیتی، ارفع)، بشارت و خوشدلی (عاملی)، مژدگانی (ترجمه تفسیر طبری).

\* \* \* ترجمه واژه «شدید» به «دهشت» در آیه ﴿وَلَكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ﴾ که چون عذاب خدای تعالی سخت است پس بی‌یقین فرو می‌گیرد دهشت آن عذاب ایشان را. (حج/۲) که

مترجمین عموماً واژه «شدید» را به «سخت» یا «شدید» یا «سنگین» ترجمه کرده‌اند.

﴿وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا﴾ و هست شیطان مر انسان را فرو گذارنده در وادی ضلالت و هلاکت. (فرقان/۲۹) و واژه ﴿مَخْذُولًا﴾ را فرو گذاشته (اسراء/۲۲) ترجمه کرده است. در اینجا به درستی و زیبایی واژه «خذولاً» را به صورت اسم فاعل «فرو گذارنده» و واژه «مخذولاً» را به صورت اسم مفعول «فرو گذاشته» ترجمه کرده است. در حالی که مترجمین قرآن واژه «مخذولاً» را به صورت: وامانده (فولادوند)، واگذاشته شده (مصباح زاده)، بی‌یاور (رضایی اصفهانی)، زبون (خرمدل)، خوار (آیتی)، ترجمه کرده‌اند، که ترجمه واژه «ذلت» است.

﴿وَلَا تَكُنْ لِلْخَائِبِينَ﴾ و مباش تو برای خیانت کنندگان و به جهت دفع خیانت واقعی از ایشان ﴿خَصِيمًا﴾ دشمن کننده با مردم. (نساء/۱۰۵) با توجه به آنچه در ترجمه رضایی اصفهانی آمده است: «و به نفع خائنان، دشمن (بی‌گناهان) مباش.» و همچنین آنچه در ترجمه تفسیر بیان سعاده آمده است: «و نباید به نفع خیانتکاران به خصومت صالحان برخیزی.» روشن می‌شود که «واژه» خصیم در این آیه معنایی مستقل، در حد جمله «دشمنی کننده با مردم» را در خود نهفته دارد. بنابراین ترجمه این واژه در تفسیر شریف لاهیجی به درستی آمده است.

﴿بِبِضَاعَةٍ مُزْجَاةٍ﴾ آمده: «با متاعی زبون یا با متاعی اندک» (یوسف/۸۸) ترجمه این ترکیب وصفی به صورت‌های دیگری توسط مترجمین ارائه شده است: کالای ناچیزی (رضایی اصفهانی، سراج)، سرمایه‌ای ناچیز (فولادوند)، سرمایه‌ای اندک (پاینده)، مایه تجارتي اندک (شعرانی، مصباح زاده)، متاع قلیل و کم (نوبری)، متاعی بی‌مقدار و پست (بروجردی)، سرمایه نامقبول یعنی اندک یا ناسره (شاه ولی الله دهلوی)، بهای اندکی (تفسیر احسن الحدیث، ۵، ۱۶۷)؛ ولی آنچه در تفسیر شریف لاهیجی آمده دقیق و رساتر است.

### نتیجه‌گیری

سبک ترجمه قرآن در تفسیر شریف لاهیجی، بیشتر تحت اللفظی بوده و به روش تفسیری-تحلیلی با توضیحات اضافی در شرح آیات قرآن است. شریف لاهیجی در این تفسیر، آرای خاص تفسیری خود را در ترجمه آیات قرآن لحاظ کرده، و بعضاً که بین دو یا چند نظر در تفسیر واژه یا آیه‌ای متردد است، آنها را در ترجمه آورده است. آرای قویم و مستقیم تفسیری مفسر، از نقاط قوت ترجمه قرآن است. ترجمه آیات در تفسیر شریف لاهیجی، مطابق نثر معیار فارسی قرن یازدهم هجری است، وجود واژگان اصیل فارسی از نقاط قوت این ترجمه به حساب می‌آید. در این تفسیر در ترجمه واژگان، نقش نحوی کلمات، ترکیب کلام و جملات اشکالاتی وجود دارد.



## کتابنامه

- آدینه‌وند لرستانی، محمدرضا (۱۳۷۷ه.ش): «کلمه الله العلیا»، تهران: اسوه، چاپ اول.
- آذرنوش، آذرتاش (۱۳۸۹ه.ش): «ترجمه قرآن؛ مبانی نظری و سیر تاریخی»، تهران: نشر کتاب مرجع، چاپ اول.
- آیتی، عبدالمحمد (۱۳۷۴ه.ش): «ترجمه قرآن (آیتی)»، صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات سروش، چاپ چهارم.
- ابوالفتوح رازی، حسین‌بن علی (۱۴۰۸ه.ق): «روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن»، مشهد: آستان قدس رضوی بنیاد پژوهش‌های اسلامی، چاپ اول.
- ارفع، کاظم (۱۳۸۱ه.ش): «ترجمه قرآن (ارفع)»، تهران: بی‌نا، چاپ اول.
- اشکوری، محمدبن علی (۱۳۷۳ه.ش): «تفسیر شریف لاهیجی»، تصحیح: جلال الدین محدث، تهران: دفتر نشر داد، چاپ اول.
- الهی قمشاهی، مهدی (۱۳۸۰ه.ش): «ترجمه قرآن (الهی قمشاهی)»، قم: فاطمه الزهراء، چاپ دوم.
- امین، نصرت‌بیگم (بی‌تا): «تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن»، بی‌جا: بی‌نا، چاپ اول.
- انصاری، مسعود (۱۳۷۷ه.ش): «ترجمه قرآن کریم»، تهران: فرزانه روز، چاپ اول.
- انصاریان، حسین (۱۳۸۳ه.ش): «ترجمه قرآن (انصاریان)»، قم: اسوه، چاپ اول.
- برزی، اصغر (۱۳۸۲ه.ش): «ترجمه قرآن و نکات نحوی آن (برزی)»، تهران: بنیاد قرآن، چاپ اول.
- بروجردی، محمدابراهیم (۱۳۶۶ه.ش): «ترجمه قرآن (بروجردی)»، تهران: کتابخانه صدر، چاپ ششم.
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۵۷ه.ش): «ترجمه قرآن (ابو القاسم پاینده)»، تهران: جاویدان، چاپ پنجم.
- پورجوادی، کاظم (۱۴۱۴ه.ق): «ترجمه قرآن (پورجوادی)»، تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی، چاپ اول.
- ثقفی تهرانی، محمد (۱۳۹۸ه.ش): «روان جاوید در تفسیر قرآن مجید»، تهران: برهان، چاپ دوم.
- حجتی، مهدی (۱۳۸۴ه.ش): «گلی از بوستان خدا (ترجمه قرآن)»، قم: بخشایش، چاپ ششم.
- خرمدل، مصطفی (۱۳۷۴ه.ش): «تفسیر نور»، تهران: نشر احسان، چاپ دوم.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۷۶ه.ش): «ترجمه قرآن کریم»، تهران: جامی و نیلوفر، چاپ سوم.
- خسروانی، علیرضا (۱۳۹۰ه.ش): «تفسیر خسروی»، تهران: کتابفروشی اسلامیة، چاپ اول.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۹۱ه.ش): «آشنایی با اصول و روش‌های ترجمه قرآن»، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)، چاپ اول.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۳ه.ش): «ترجمه قرآن (رضایی)»، قم: موسسه تحقیقاتی فرهنگی دارالذکر، چاپ اول.
- رهنما، زین‌العابدین (۱۳۵۴ه.ش): «قرآن مجید با ترجمه و جمع‌آوری تفسیر (زین‌العابدین رهنما)»، تهران: سازمان اوقاف ایران، چاپ اول.
- سراج، رضا (۱۳۹۰ه.ش): «ترجمه قرآن (سراج)»، تهران: سازمان چاپ دانشگاه ایران، چاپ اول.
- سلطان علی‌شاه، سلطان محمدبن حیدر (۱۳۷۲ه.ش): «متن و ترجمه فارسی تفسیر شریف بیان السعاده فی مقامات العبادة»، تهران: سرالاسرار، چاپ اول.
- شاه ولی‌الله، احمدبن عبدالرحیم (بی‌تا): «ترجمه قرآن (شاه ولی‌الله دهلوی)»، سروان: کتابفروشی نور، چاپ اول.
- شعرانی، ابوالحسن (۱۳۷۴ه.ش): «قرآن مجید با ترجمه فارسی و خواص سور و آیات (شعرانی)»، تهران: کتابفروشی اسلامیة ایران، چاپ دوم.
- صلواتی، محمود (۱۳۸۷ه.ش): «ترجمه قرآن (صلواتی)»، تهران: مبارک، چاپ اول.
- صادق نوبری، عبدالمجید (۱۳۹۶ه.ش): «ترجمه قرآن (نوبری)»، تهران: اقبال چاپ اول.
- صادقی تهرانی، محمد (۱۳۸۸ه.ش): «ترجمان فرقان: تفسیر مختصر قرآن کریم»، قم: شکرانه چاپ اول.
- صفوی، محمدرضا (۱۳۸۸ه.ش): «ترجمه قرآن بر اساس المیزان»، قم: دفتر نشر معارف، چاپ اول.

- صفی علی شاه، محمدحسن بن محمد باقر (بی تا): «تفسیر قرآن صفی علی شاه»، تهران: منوچهری، چاپ اول.
- طاهری قزوینی، علی اکبر (۱۳۸۰ه.ش): «ترجمه قرآن (طاهری)»، تهران: قلم، چاپ اول.
- طباطبائی، محمدحسین (۱۳۷۴ه.ش): «ترجمه تفسیر المیزان»، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم..
- طبری، محمدبن جریر (۱۳۵۶ه.ش): «ترجمه تفسیر طبری»، تهران: توس، چاپ دوم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۵ه.ش): «ترجمه تفسیر جوامع الجامع»، مشهد: آستان قدس رضوی بنیاد پژوهش‌های اسلامی، چاپ اول.
- عاملی، ابراهیم (۱۳۶۰ه.ش): «تفسیر عاملی»، تهران: کتابفروشی صدوق، چاپ اول.
- فارسی، جلال‌الدین (۱۳۶۹ه.ش): «ترجمه قرآن (فارسی)»، تهران: انجام کتاب - ایران، چاپ اول.
- فولادوند، محمد مهدی (۱۴۱۸ه.ق): «ترجمه قرآن (فولادوند)»، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی - ایران، چاپ سوم.
- قرشی بنابی، علی اکبر (۱۳۷۱ه.ش): «قاموس قرآن»، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۵ه.ش): «تفسیر احسن الحدیث»، تهران: بنیاد بعثت مرکز چاپ و نشر ایران، چاپ دوم.
- قلیزاده، حیدر (۱۳۸۰ه.ش): «مشکلات ساختاری ترجمه قرآن کریم»، تبریز: دانشگاه تبریز - مؤسسه تحقیقاتی علوم اسلامی - انسانی، چاپ اول.
- کاویان‌پور، احمد (۱۳۷۲ه.ش): «ترجمه قرآن (کاویان‌پور)»، تهران: اقبال چاپ سوم.
- کوشا، محمدعلی (۱۳۸۲ه.ش): «ترجمه‌های ممتاز قرآن در ترازوی نقد»، رشت: کتاب مبین، چاپ اول.
- مترجم ناشناخته (قرن دهم) (۱۳۸۳ه.ش): «ترجمه قرآن»، تحقیق: علی رواقی، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، چاپ اول.
- مجتبی، جلال‌الدین (۱۳۷۱ه.ش): «ترجمه القرآن الحکیم»، تهران: حکمت، چاپ اول.
- مرکز فرهنگ و معارف قرآن (۱۳۸۵ه.ش): «ترجمه قرآن (مرکز فرهنگ و معارف قرآن)»، قم: بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، چاپ اول.
- مصباح‌زاده، عباس (۱۳۸۰ه.ش): «ترجمه قرآن (مصباح‌زاده)»، تهران: بدرقه جاویدان، چاپ اول.
- معزی، محمدکاظم (۱۳۷۲ه.ش): «ترجمه قرآن (معزی)»، قم: اسوه، چاپ اول.
- مغنیه، محمدجواد (۱۳۷۸ه.ش): «ترجمه تفسیر کاشف»، مترجم: موسی دانش، قم: بوستان کتاب (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، چاپ اول.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۳ه.ش): «ترجمه قرآن (مکارم)»، قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی ایران، چاپ: دوم.
- موسوی گرمارودی، علی (۱۳۸۴ه.ش): «ترجمه قرآن (گرمارودی)»، تهران: قدیانی، چاپ دوم.
- میبدی، احمدبن محمد (۱۳۷۱ه.ش): «کشف الاسرار و عدۀ الابرار (معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری)»، تهران: امیر کبیر، چاپ پنجم.
- نسفی، عمر بن محمد (۱۳۷۶ه.ش): «تفسیر نسفی»، تهران: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران انتشارات سروش، چاپ اول.
- یاسری، محمود (۱۴۱۵ه.ق): «ترجمه قرآن (یاسری)»، قم: بنیاد فرهنگی امام مهدی (ع)، چاپ اول.

## Bibliography

- Adinehund Lorestani, Mohammad Reza (1998 AH): "Kalamatollah al-'Alia", Tehran: Osveh, 1st edition.
- Azarnoosh, Azartash (2010 AH): "Translation of the Qur'an, Theoretical Foundations

- and Historical History”, Tehran: Publication of the Reference Book, 1st edition.
- Ayyi, Abdolmohammad (1995 AH): “Translation of the Qur’an (Verse)”, Islamic Republic of Iran Audio and Video, Tehran: Soroush Publications, 4th edition.
  - Abu l-Futuh Razi, Hussin bin Ali (1408 AH): “Rawd al-Janan and Ruh al-Janan fi Tafasir al-Qur’an”, Mashhad: Astan Quds Razvi foundation of Islamic research, first edition.
  - Arfa, Kazemim (2002 AH): “Translation of the Qur’an (Arfa)”, Tehran: Bina, 1st edition.
  - Eshkevari, Muhammad Ebne Ali (1994-1994): “Tafser Sharif Lahiji”, Correction: Jalal al-Din Mohaddes, Tehran: Publishing Office, 1st edition.
  - The Divine Of Qumshes, Mahdi (2001-2001): “Translation of the Qur’an (The Divine Of Qumshes)”, Qom: Fatima al-Zahraa, print: 2.
  - Amin, Nosratbeigm (Bita): “The Interpretation of The Reservoir of Al-Rifan in Qur’anic Sciences”, Misplaced: Bina, 1st edition.
  - Ansari, Mas’ud (1998-1998): “Translation of the Holy Quran”, Tehran: Farzan Rouse, 1st edition.
  - Ansarian, Husayn (2004 AH): “Translation of the Qur’an (Ansarian)”, Qom: Osveh, 1st edition.
  - Berzi, Asghar (2003-2003): “Translation of the Qur’an and its Syntacct points (Berzi)”, Tehran: Foundation of the Qur’an, 1st edition.
  - Boroujerdi, Mohammad Ebrahim (1987 AH): “Translation of the Qur’an (Boroujerdi)”, Tehran: Sadr Library, 6th edition.
  - Pouyandeh, Abolqasem (1978 AH): “Translation of the Qur’an (Abu Al-Qasim Painde)”, Tehran: Immortal, 5th edition.
  - Pourjavadi, Kazemi (1414 AH): “Translation of the Qur’an (Pourjavadi)”, Tehran: Islamic Encyclopedia Foundation, 1st edition.
  - Saghefi Tehrani, Muhammad (2019 AH): “Ravan Javed in the Interpretation of the Majid Qur’an”, Tehran: Borhan, Chap II.
  - Hojjati, Mahdy (2005 AH): “A Flower from the Garden of God (Translation of the Qur’an)”, Qom: Forgiveness, Sixth Edition.
  - Khorramdel, Mostafa (1995 AH): “Tafser-e Noor”, Tehran: Ehsan Publication, 2nd edition.
  - Khorramshahi, Baha’uddin (1997 AH): Translation of the Holy Quran, Tehran: Jami and Niloofar, 3rd edition.
  - Khosravani, Ali Reza (2011-2011): “Khosravi’s Interpretation”, Tehran: Islamic Bookstore, 1st edition.
  - Rezaie Esfahani, Muhammad Ali (2012 AH): “Familiarity with the Principles and Methods of Translating the Qur’an”, Qom: International Center for Translation and Publication of Al-Mustafa (pbuh), 1st edition.
  - (2004-2004): “Translation of the Qur’an (Rezayi)”, Qom: Dar al-Zakir Cultural Research Institute, 1st edition.
  - Rahnama, Zain al-Abedin (1975 AH): “The Holy Quran by translating and collecting



سال چهارم  
شماره اول  
پیاپی: ۷  
پاییز و زمستان  
۱۳۹۹

- commentary (Zarin al-Abedin Rahnama)", Tehran: Aqaf Organization of Iran, 1st edition.
- Seraj, Reza (2011 AH): "Translation of the Qur'an (Seraj)", Tehran: Iranian University Printing Organization, 1st edition.
  - Sultan Alishah, Sultan Muhammad b. Haydar (1993-1993): "Persian text and translation of the interpretation of the shari'ah of al-Saada al-'Awad al-'Abadah officials," Tehran: Saralasar, 1st edition.
  - Shah Waliullah, Ahmad bin Abdul Rahim (Bita): "Translation of the Qur'an (Shah Wali Allah Dehlavi)", Saravan: Noor Bookstore, 1st edition .
  - Poetics, Abolhassan (1995-1995): "The Majid Qur'an with Persian Translation and The Properties of Sur and Verses (Poets)", Tehran: Islamic Bookstore of Iran, 2nd edition.
  - Salavati, Mahmud (2008 AH): "Translation of the Qur'an (Salavat)", Tehran: Mubarak, 1st edition .
  - Sadegh Nobari, Abdolmajid (2017 AH): "Translation of the Qur'an (Nobari)," Tehran: Iqbal 1st edition.
  - Sadeghi Tehrani, Muhammad (2009 AH): "Tarjman Forqan: A Brief Interpretation of the Holy Quran," Qom: Shokraneh , first edition .
  - Safavi, Mohammad Reza (2009 AH): "Translation of the Qur'an based on Al-Mizan", Qom: Maaref Publications Office, 1st edition.
  - Safi Ali Shah, Muhammad Hasan b. Muhammad Baqir (Bita): "Interpretation of the Qur'an Safi Ali Shah", Tehran: Manouchehri, 1st edition.
  - Taheri Qazvini, Ali Akbar (2001 AH): Translation of the Qur'an (Taheri)", Tehran: Pen, 1st edition.
  - Tabataba'i, Mohammad Hasin (1995 AH): "Translation of Al-Mizan's Interpretation", Qom: Society of Seminary Teachers of Qom Islamic Publications Office, 5th edition. .
  - Tabary, Mohammad bin Jarir (1977 AH): Translating Tabari's Interpretation, Tehran: Toos, 2nd edition.
  - Tabarsi, Fazlbon Hassan (1996 AH): "Translation of The Interpretation of Jamaat al-Jama'at", Mashhad: Astan Quds Razvi, Foundation for Islamic Research, 1st edition.
  - Amoli, Ibrahim (1981-1981): "Agent Commentary", Tehran: Saduq Bookstore, 1st edition.
  - Farsi, Jalaluddin (1990 AH): "Translation of the Qur'an (Persian)", Tehran: Book-Iran, 1st edition.
  - Fouladvand, Mohammad Mehdi (1418 AH): "Translation of the Qur'an (Fouladvand)", Tehran: Office of Islamic History and Education Studies - Iran, 3rd edition.
  - Qureshi Banabi, Aliakbar (1992 AH): "Qamus of the Qur'an," Tehran: Dar al-Katab al-Islamiyya, 6th edition.
  - (1996 or 1996): "Commentary on Ahsan al-Hadith", Tehran: Besat Foundation of Iran Publishing Center, 2nd edition.

- Gholizadeh, Heidar (2001- 2001): Structural Problems of Translation of the Holy Quran, Tabriz: University of Tabriz, Islamic-Human Sciences Research Institute, 1st edition.
- Kavianpour, Ahmad (1993-1993): "Translation of the Qur'an (Kavianpour)," Tehran: Iqbal 3rd edition .
- Koosha, Mohammad Ali (2003-2003): "Outstanding Translations of the Qur'an in the Scale of Criticism," Rasht: Mobin's Book, 1st edition.
- Unknown Translator (10th Century) (2004): "Translation of the Qur'an", Research: Ali Ra stoicism, Tehran: Academy of Persian Language and Literature, 1st edition.
- Mojtaboui, Jalal al-Din (1992 AH): "Translation of al-Qur'an al-Hakim", Tehran: Hekmat, 1st edition.
- Center for Culture and Education of the Qur'an (2006 AH): "Translation of the Qur'an (Center for The Culture and Teachings of the Qur'an)", Qom: Qom Book Park (Islamic Propaganda Office publication of Qom Seminary), 1st edition.
- Mesbahzadeh, Abbas (2001 OR 2001): "Translation of the Qur'an (Mesbahzadeh)", Tehran: Badrgeh Javindan, 1st edition.
- Mu'awiya, Muhammad Kazim (1993-1993): "Translation of the Qur'an (Mu'awiya)", Qom: Oswa, Print: 1.
- Mughniyeh, Mohammad Javad (1999 or 1999): "Translation of Kashif's Interpretation", Translator: Musa Danesh, Qom: Book Park (Islamic Propaganda Office publication of Qom Seminary), 1st edition.
- Mokaram Shirazi, Naser (1994-1994): "Translation of the Qur'an (Mokaram)", Qom: Office of Islamic-Iranian History and Education Studies , published: 2nd edition.
- Musso Garmaroudi, Ali (2005 AH): "Translation of the Qur'an (Garmaroudi)", Tehran: Ghadyani, second edition.
- Maybodi, Ahmad b. Muhammad (1992 or 1992): "Kashif al-Asrar and Adat al-Abar (known as The Interpretation of Khajeh Abdollah Ansari)", Tehran: Amir Kabir, 5th edition.



سال چهارم  
شماره اول  
پیاپی: ۷  
پاییز و زمستان  
۱۳۹۹

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی